

A Revision of the Semantic Probabilities of the Tradition of “Only an Imam Abolishes the Imam”

Research Article

Emamat Pajouhi
Tenth Year, Vol. 2
Autumn & Winter 2020
DOI:10.22034
jep.2021.252544.1240
jep.emamat.ir



Mohammad Afi Khorasani¹

Abstract:

The Wāqifite sect believed that only the next Imam is authorized to abolish the previous Imam by using some traditions and considered that as evidence of Imamate and through this way propounded some doubts in the Imamate of Imam Riḍā since he didn't participate in his father's funeral abolishment. This tradition became a rule in the doctrine of Imamate and in addition to the Imamate of Imam Riḍā, could make some challenges on the Imamate of Imam Jawad, as he also was not present in his father abolishment. Thus, the study of these traditions is of significance. Of the most important steps in the study of these traditions is their meaning. So, this article tries to survey the various semantic probabilities that could be deduced from this rule. The best meaning of these traditions according to the literal and historical indications and a general survey of all the sources of these traditions is discussed in the paper.

Keywords: The Traditions of Imam's Funeral Abolishment, The Evidence of Imamate, Wāqifite, Imam Kāẓim. Imam Riḍā

1.M.A Student of Quran and Hadith, Farabi Campus, University of Tehran. (Corresponding Author) khorasani.m.afi@gmail.com

بحث احتمالات المعنى في رواية (الإمام لا يغسله إلا الإمام)

محمد عافي الخراساني^١

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة العاشرة
العدد الثاني، خريف
وشتاء سنة ٢٠٢٠
jep.emamat.ir



ملخص

يعتبر الواقفية أن غسل الإمام المتوفى من قبل الإمام اللاحق من علامات الإمامة بالاستعانة إلى بعض الروايات، وهم يُشكلون بشأن غسل الإمام الرضا عليه السلام لجسد أبيه الإمام الكاظم عليه السلام وبالتالي إمامته لأنه لم يكن حاضراً في بغداد آنذاك على الأقل في الظاهر. وقد أصبحت هذه المسألة بشكل عملي قاعدة كلامية مهمة، وإذا ما قبل بها الإمامية فإن ذلك يعني التشكيك في إمامة الرضا عليه السلام والإمام الجواد عليه السلام لأن الإمام محمد الجواد عليه السلام لم يكن موجوداً في خراسان - في الظاهر - عند وفاة والده الإمام الرضا عليه السلام وغسله وتكفينه، وهنا تبرز أهمية البحث في هذه المسألة. ومن أهم الخطوات للبحث في هذه القاعدة بيان معناها - على افتراض صدور الأصل - ولذلك تحاول هذه المقالة الخوض في الاحتمالات المختلفة التي يمكن نسبتها إلى القاعدة المذكورة. كما يسعى كاتبها إلى الاستعانة بالقرائن اللفظية والتاريخية المتعددة وإلقاء نظرة جامعة إلى كل المصادر والوثائق الخاصة بهذه القاعدة، لتحديد أفضل الاحتمالات المذكورة.

الكلمات الدلالية: روايات غسل الإمام؛ علامات الإمامة؛ الواقفية؛ الإمام الكاظم عليه السلام؛ الإمام الرضا عليه السلام.

١. طالب ماجستير في علوم القرآن والحديث (پدیس فارابی) جامعة طهران khorasani.m.afi@gmail.com

واکاوی احتمال‌های معنایی در روایات «الإمام لا یغسله إلا الإمام»*

محمد عافی خراسانی^۱

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت پژوهی، سال دهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۲۸
پاییز و زمستان ۹۹
صفحه ۴۷ - ۷۴

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.252544.1240



copyright© the authors

چکیده

فرقه واقفیه با استفاده از روایاتی، غسل امام پیشین توسط امام بعدی را یکی از نشانه‌های امامت تلقی کرده‌اند و از این راه، نسبت به امامتِ امام رضا علیه السلام، که هنگام غسل بدن مطهر امام کاظم علیه السلام - حداقل در ظاهر - در بغداد حضور نداشتند، اشکال می‌کردند. این مسئله، در عمل به شکل یک قاعده کلامی مهم درآمده است و در صورت پذیرش آن توسط امامیه، می‌تواند علاوه بر امامت امام رضا علیه السلام، در امامت امام جواد علیه السلام نیز تشکیک کند؛ چراکه ایشان نیز - حداقل در ظاهر - در غسل پدر حاضر نبوده‌اند. از این رو، بررسی این مهم، اهمیت بسزایی دارد. از مهم‌ترین گام‌ها در بررسی این قاعده، بررسی معنای آن - بر فرض صدور اصل آن - است. در همین راستا، این مقاله در پی بررسی احتمال‌های گوناگونی است که می‌توان از این قاعده تصور کرد. هم‌چنین می‌کوشد تا با استفاده از قرینه‌های مختلف لفظی و تاریخی و با نگاهی جامع به همه مدارک این قاعده، بهترین احتمال معنایی را برای آن مشخص سازد.

کلیدواژه‌ها: روایات غسل امام، نشانه‌های امامت، واقفیه، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۳.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(نویسنده مسئول): khorasani.m.afi@gmail.com

مقدمه

مسئله امامت یکی از بنیادی‌ترین مسائل در علم کلام است. این مسئله، از روزگار کهن تا به امروز، محور مناقشات بسیاری در میان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون بوده است و هرکدام از ایشان شرایطی را برای امام در نگاه خود تصویر نموده‌اند. در این میان، امامیه برمنصوص بودن امامت تأکید داشته‌اند و از دغدغه‌های مهم پیروان این مذهب، شناخت نشانه‌های امام بوده است تا به وسیله آنها امام بعدی را بشناسند. یکی از نشانه‌هایی که در این زمینه، مورد بحث واقع شده است، انجام غسل میت برای امام پیشین است. شماری از روایات شیعه براین معنا دلالت دارند که غسل امام پیشین تنها باید توسط امام پس از او انجام شود. این مسئله، توسط فرقه واقفیه به عنوان یک نشانه امامت تلقی و ترویج شده است. اگر به راستی این مسئله یک نشانه امامت باشد، با یک شبهه در اثبات امامت امام رضا و امام جواد علیهما السلام مواجه خواهیم بود؛ زیرا ایشان در هنگام شهادت پدران خویش، در شهر دوری حضور داشته‌اند که به طور طبیعی امکان دسترسی به امام پیشین نبوده است. از همین روی، ضروری است درباره این مسئله پژوهشی عمیق و همه‌جانبه انجام شود که یکی از گام‌های مهم در این پژوهش، بررسی احتمال‌های معنایی این روایات با نگاهی جامع به مجموعه آنها است.

پیشینه

اولین اثر مستقل در این زمینه، رساله مختصری از سید مرتضی است. وی این‌گونه روایات را از قبیل خبر واحد دانسته است که باعث حصول اطمینان نیست و توجیه‌هایی را نیز درباره معنای آنها بیان کرده است که خواهد آمد. هم‌چنین بیان داشته است: کسی که در مدینه است، نمی‌تواند غسل کسی را که در بغداد یا طوس وفات کرده است، انجام دهد؛ چراکه جسم سنگین نمی‌تواند چنین مسافتی را در این زمان کم طی کند.^۱ از این عبارت، نگاه عقلی ایشان در بررسی این مسئله آشکار می‌شود؛ اگرچه با توجه به نزدیکی دیدگاه ایشان به جریان اعتزال، چنین

۱. سید مرتضی، علی بن حسین، رسائل، ۳/ ۱۵۳-۱۵۷.

استدلالی چندان دور از انتظار نیست. هم چنین باید گفت، ایشان در این اثر، به بررسی موشکافانه سند و دلالت این روایات و قرائن داخلی و خارجی مؤثر در فهم آنها نپرداخته است.

پس از این رساله، هیچ اثر مستقلی درباره این موضوع تا دوران معاصر یافت نشد. بیشتر بحث‌هایی که در این مدت انجام شده، استطرادی و در ضمن نقل روایت‌های مرتبط بوده است؛ مانند اشاره‌های شیخ صدوق^۱، ابن شهر آشوب^۲، علامه محمد تقی مجلسی^۳ و علامه محمد باقر مجلسی^۴ در آثارشان به این مسئله. در دوران معاصر، در برخی آثار، به مناسبت موضوعاتی مرتبط مانند بحث درباره واقفیه^۵، راجع به این مسئله نیز سخن‌هایی مطرح شده است.^۶ در سال‌های اخیر

۱. به عنوان نمونه، رک: صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/۱۰۵-۱۰۶؛ همو، کمال الدین، ۱/۷۱.

۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن، ۱/۲۵۳.

۳. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۱/۳۷۱-۳۷۲.

۴. به عنوان نمونه رک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۵۰/۳۲؛ همو، مرآة العقول، ۳/۳۵۴؛ همو، ملاذ الأخیار، ۲/۴۹۵.

۵. واقفیه فرقه‌ای از شیعه هستند که بر امامت امام کاظم علیه السلام توقف کرده‌اند و امامت امام رضا علیه السلام را نپذیرفته‌اند (نوبختی، حسن بن موسی؟)، فرق الشیعه، ص ۱۳۱؛ اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین، ص ۲۸؛ مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۳۱۴؛ قاضی عبدالجبار، المغنی، ۲۰/۱۸۱؛ شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، ۱/۱۹۸؛ حمیری، نشوان بن سعید، الحور العین، ص ۱۶۴). فتنه‌ای که توسط این فرقه ایجاد شد، از بزرگ‌ترین فتنه‌ها در میان شیعه بوده است؛ زیرا سران این جریان انحرافی، از بزرگان شیعه و وکلای امام کاظم علیه السلام بوده‌اند. یکی از مسائلی که این فرقه بر آن تأکید می‌کرده و بدین وسیله در صدد ایجاد شبهه در امامت امام رضا علیه السلام بوده، اصرار بر مسئله غسل امام توسط امام بعدی بوده است (کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۴۶۴). از مجموع گزارش‌ها درباره این فرقه برمی‌آید که مسئله غسل امام می‌توانسته به سود این فرقه باشد. درباره تلاش‌های ایشان در این زمینه می‌توان به این نمونه اشاره کرد: در برخی از منابع واقفیه حدیثی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است که اگر غیر از امام بعدی، کسی دیگر تجهیز امام پیشین را انجام دهد، کور خواهد شد (طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۵۷).

۶. به عنوان نمونه، رک: ناصری، ریاض محمد، الواقفیه، ص ۹۵-۹۸.

مقاله‌ای نگاشته شده که این موضوع را از منظر واقعیت تاریخی آن بررسی نموده است.^۱ این مقاله ارزشمند، تلاش خوبی برای فهم بهترین روایات بوده، اما دارای اشکال‌هایی است که در این نوشتار به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

یکی از کاستی‌های بزرگ در همه تلاش‌های پیش‌گفته در تحلیل این قاعده، عدم توجه به گردآوری و بررسی عمیق همه روایت‌هایی است که اشاره‌ای بررد یا اثبات آن دارند. نگارنده این سطور در یک مقاله دویبخشی به تفصیل به این مطلب پرداخته است.^۲ پس از بررسی تک‌تک مدارک قاعده، نوبت به بررسی آنها با نگاهی جامع می‌رسد. از مهم‌ترین گام‌ها در این بررسی مجموعه‌ی، بررسی معنای دقیق این قاعده است. در طول تاریخ، عالمان مختلف صورت‌های گوناگونی برای معنای این قاعده مطرح کرده‌اند؛ اما در این مسیر، فقط به شماراندکی از مدارک آن توجه شده است که باعث حصول درکی ناقص از معنای آن می‌شود. هم‌چنین بیشترین وجوه معنایی، به صورت استطرادی بیان شده‌اند و شکل منسجمی ندارند. از سویی دیگر، برخی از احتمال‌های معنایی، تاکنون اصلاً مطرح نشده یا با اتکای به شواهد، تبیین نشده‌اند. در این مقاله، سعی شده است با دوری از این آسیب‌ها، به تحلیل احتمال‌های معنایی قاعده پرداخته شود.

گزارشی از محتوای روایات غسل امام

از آن‌جا که نگارنده در مقاله‌ای دویبخشی - که پیش‌تر به آن اشاره شد - به تفصیل، متن و سند همه روایاتی که اشاره‌ای به این قاعده دارند را بررسی کرده است، چندان نیازی به تکرار آنها در این نوشتار نمی‌بیند؛ اما با توجه به مستقل بودن این مقاله و نیاز به آشنایی با فضای این روایات برای فهم احتمال‌های معنایی آنها، چاره‌ای جز ارائه گزارشی مختصر از آنها نیست. در این گزارش، سعی بر آن

۱. گودرزی، ابراهیم و حسینیان مقدم حسین، «بازشناسی حدیث "الإمام لا یغسله الا الإمام" در

گفتمان واقفیه و امامیه»، علوم حدیث، شماره ۸۶.

۲. خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام کلاماً للإمامة، دراسة فی الروایات الإمامیه»، الاجتهاد و

التجدید، شماره ۵۳-۵۴.

است که عبارات امامان به عربی آورده شود تا تشخیص احتمالات معنایی در آنها آسان تر باشد.

شیخ کلینی در بابی که به این موضوع اختصاص داده، سه روایت آورده است:
اول: راوی به عرض امام رضا علیه السلام می‌رساند که واقفیه به این قاعده احتجاج می‌کنند. امام پاسخ می‌دهند: «ما یدرهم من غسله؟!» سپس امام به راوی می‌فرمایند که به واقفیه بگویند، خود ایشان امام کاظم علیه السلام را غسل داده‌اند: «قل لهم إني غسلته».

دوم: راوی از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: «آیا امام، امام دیگر را غسل می‌دهد؟» ایشان در پاسخ فقط می‌فرمایند: «سنة موسى بن عمران علیه السلام».

سوم: امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال فردی مبنی بر این که آیا امام، امام دیگر را غسل می‌دهد، می‌فرمایند: «أما تدرّون من حضر؟ لعله قد حضره خير ممن غاب عنه، الذين حضروا يوسف في الجب حين غاب عنه أبواه وأهل بيته»^۱.
مرحوم کلینی خارج از این باب نیز روایتی مرتبط با این موضوع آورده است:

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره غسل دهندۀ حضرت زهرا علیها السلام می‌پرسد و امام پاسخ می‌دهند: امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را غسل داده‌اند. سپس امام با دیدن تعجب مفضل می‌فرمایند: «لا تضيقن؛ فإنها صديقة ولم يكن يغسلها إلا صديق، أما علمت أن مريم لم يغسلها إلا عيسى؟!»^۲

برخی دیگر از روایت‌های مهم در این زمینه به شرح زیر است:

در روایتی راوی می‌گوید: به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم که برای ما از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فقط امام، امام را غسل می‌دهد... نظر شما چیست؟ امام رضا علیه السلام در پاسخ نوشتند که آن چه به تو رسیده است، حقیقت دارد. پس از آن، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: «چه کسی پدر شما را غسل داد و امور تجهیز ایشان

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/۲۸۵-۲۸۶.

۲. همان، ۲/۴۹۴-۴۹۵ و ۵/۴۲۰-۴۲۲؛ صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه،

۱/۴۲؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، ۱/۴۴۰.

را برعهده گرفت؟» امام رضا علیه السلام فرمودند: «لعل الذين حضروه أفضل من الذين تخلفوا عنه». عرض کردم: «آنها کیستند؟» ایشان فرمودند: «حضره الذين حضروا يوسف علیه السلام، ملائكة الله ورحمته»^۱.

روایتی دیگر به وصیت امام صادق علیه السلام به امام کاظم علیه السلام درباره غسل ایشان اشاره دارد. امام کاظم علیه السلام فرمودند: هنگامی که امام صادق علیه السلام به بیماری ای که با آن درگذشتند مبتلا شدند، به من فرمودند: «یا بُنَّی، لا یلی غسلی غیرک، فإني غسلت أباي والأئمة یغسل بعضهم بعضاً»^۲.

روایتی دیگر به کمک رسانی فرشتگان به امامان در غسل تک تک امامان پیشین اشاره دارد^۳ که به طور ضمنی بر حضور هر امامی در غسل امام قبلی دلالت دارد. در برخی روایت ها نیز، به آمدن معجزه گونه امام رضا علیه السلام برای غسل امام کاظم علیه السلام در بغداد،^۴ امام جواد علیه السلام برای غسل امام رضا علیه السلام در طوس^۵ و امام هادی علیه السلام برای غسل امام جواد علیه السلام^۶ در بغداد اشاره شده است.

از آن جا که شمار این روایات، طبق جستجوی نگارنده، به چهارده روایت می رسد و نقل همه آنها در این مقام نمی گنجد، تنها به اشاره به برخی از مهم ترین آنها بسنده شد. برای آگاهی بیشتر می توان به مقاله پیش گفته مراجعه نمود.

احتمال های گوناگون درباره معنای قاعده غسل امام

از آن جا که بررسی تفصیلی هریک از احتمال های قابل فرض برای این قاعده، نیاز به احاطه ای کلی دارد، نخست به همه آنها اشاره می شود. سپس قرینه های

۱. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۷۶.

۲. [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصیة، ص ۱۹۸.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۲۲۵/۱.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۰۴/۱.

۵. [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصیة، ص ۲۱۵.

۶. [ابن بابویه، علی بن حسین؟]، الإمامة و التبصرة، ص ۸۵؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، ص ۵۰۹.

مختلفی که در رد یا اثبات هر یک از آنها قابل طرح است، بررسی خواهد شد. احتمالات مذکور از قرار ذیل است:

(۱) این قاعده، نشانه‌ای برای شناختِ امام است، به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی.

(۲) این قاعده، نشانه‌ای برای شناختِ امام است، اما هنگامی که غسل دادن برای امام بعدی امکان داشته باشد و عذر و مانعی برخلاف آن نباشد.

(۳) این مسئله، تنها یک صفت و خصوصیت برای امام است، اما ضرورتاً نشانه‌ی امامت نیست؛ زیرا شاید هیچ‌کس از این‌که فقط امام بعدی امام پیشین را غسل داده است، آگاه نشود.

(۴) این مسئله، تنها یک فریضه و واجب شرعی بر عهده‌ی امام بعدی است و نشانه‌ی امامت نیست.

(۵) این مسئله، فقط یک وصیت شخصی از جانب امام صادق علیه السلام به فرزندشان، امام کاظم علیه السلام بوده است و مخاطب این وصیت فقط امام کاظم علیه السلام بوده‌اند، نه عموم شیعیان. اما واقفیه به اشتباه، مخاطبِ آن را همگی شیعیان دانسته‌اند و در نتیجه، آن را به عنوان نشانه‌ی امامت تلقی نموده‌اند.

(۶) این قاعده، نشانه‌ی امامت است، در صورتی که کسی بهتر از امام - مانند ملائکه - ایشان را غسل ندهد.

(۷) این قاعده تنها به این معناست که امام بعدی متولّی غسل امام پیشین است؛ اما معنای «تولّی»، اعم از آن است که به طور مستقیم باشد و یا به صورت نیابتی. بنابراین هنگامی که خود امام حضور ندارد، اگر کسی را نایب خود در امر غسل امام پیشین قرار دهد یا کسی این‌کار را با رضایت ایشان انجام دهد، کافی است.

احتمال نخست

در این احتمال، این قاعده به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی، نشانه‌ای برای

شناختِ امام دانسته می‌شود. باید توجه داشت، این همان تفسیر واقفیه از این قاعده است. این فرقه با تأکید بر همین تفسیر، در صدد زیرسؤال بردن امامت امام رضا علیه السلام بودند.^۱

باید گفت، این تفسیر با بسیاری از مدارک این قاعده^۲ تنافی ندارد؛ بلکه شاید بتوان گفت که بهتر از تفسیرهای دیگر با برخی از مدارک قاعده سازگار است؛ مانند روایت گفتگوی بطائنی با امام رضا علیه السلام.^۳ طبق این روایت، بطائنی با ذکر قاعده غسل امام، در امامت امام رضا علیه السلام تشکیک می‌کند و امام در پاسخ به وی، تجهیز امام حسین علیه السلام توسط امام سجاد علیه السلام را یادآوری می‌کنند و می‌فرمایند:

کسی که به امام سجاد علیه السلام این توانایی را داد که به کربلا بیاید و تجهیز پدرش را انجام دهد، این توانایی را به صاحب این امر نیز می‌دهد که به بغداد بیاید و تجهیز پدرش را انجام دهد...

بنابراین طبق این روایت، امام رضا علیه السلام هیچ اشکالی به معنای مورد نظر واقفیه از این قاعده مطرح نمی‌کنند و فقط به تطبیق قاعده اشکال می‌کنند و می‌فرمایند که در واقع امر، من غسل امام کاظم علیه السلام را انجام داده‌ام، اما شما پی نبرده‌اید. خداوند به امام سجاد علیه السلام با آن وضعیت اسارت کمک کرد که این قاعده را عملی کنند؛ پس انجام این قاعده برای من که در اسارت نبوده‌ام، آسان تر است. بنابراین سکوت امام رضا علیه السلام در برابر داشت واقفیه در چنین جایگاهی می‌تواند به معنای تأیید فهم آنها از این قاعده (یعنی نشانه بودن آن برای امامت) باشد.

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۴۶۳؛ [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصیة، ص ۲۰۷.

۲. چنان‌که از عبارات‌های پیشین نیز روشن است، مقصود نگارنده از تعبیر «مدارک» هر روایتی است که اشاره‌ای در رد یا اثبات یا تفسیر قاعده دارد، نه فقط روایت‌های اثبات‌کننده آن.

۳. کشی، محمد بن عمر، همان؛ برای بررسی تفصیلی این روایت، رک: خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة في الروایات الإمامية»، الاجتهاد والتجدید، ۱۸۱/۵۴.

توجه به این نکته نیز لازم است که تفسیر واقفیه، قابلیت سازگاری با برخی از مدارک قاعده را ندارد؛ از جمله روایت هرثمه^۱ و روایت طلحه^۲. باید توجه داشت که روایت هرثمه و طلحه از امام رضا علیه السلام نقل شده است. روشن است که در این روایات باید به دنبال فهم تفسیر امام رضا علیه السلام از قاعده باشیم، اما در پاسخ به واقفیه که امامت ایشان را نپذیرفته‌اند- باید معنای قاعده را از زبان امامان پیشین بررسی کنیم. اگر روایتی از امام رضا علیه السلام در این زمینه رسیده باشد و در آن استدلالی بیان نشده باشد، نمی‌توان از آن در برابر واقفیه استفاده کرد. روایت طلحه در این موضوع استدلالی ندارد، اما روایت هرثمه با استدلال همراه است که در احتمال چهارم به آن پرداخته خواهد شد.

مهم‌ترین اشکال به برداشت واقفیه این است که هرچند این تفسیر-چنان‌که گذشت- با ظهور بسیاری از روایات غسل تنافی ندارد، اما این تنها به معنای قابلیت همخوانی و عدم تضاد این برداشت با آنها است. این روایات قابلیت سازگاری با احتمال‌های دیگری را نیز دارند و دلیلی برای تعیین این احتمال معنایی وجود ندارد. همین نکته برای ثابت نشدن تفسیر واقفیه کافی است. این سخن با نگاه به تک‌تک مدارک قاعده روشن‌تر می‌شود؛ برای نمونه به روایت مفصل بن عمر- که پیش‌تر گذشت- می‌پردازیم. روایت وی از لحاظ سندی نسبت به روایات دیگر این موضوع، مهم‌تر است. این روایت درباره غسل امام سخن نمی‌گوید؛ بلکه سخن

۱. در این روایت به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است: «إنا نقول إن الإمام لا يجب أن يغسله إلا إمام مثله. فإن تعدى مُتَعَدٍّ فغسل الإمام لم تبطل إمامة الإمام لتعدّي غاسله، ولا بطلت إمامة الإمام الذي بعده بأن غلب على غسل أبيه» (صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۲۴۵؛ [طبری، محمد بن جریر؟]، دلائل الإمامة، ص ۳۵۱).
با توضیحی که در این روایت درباره معنای قاعده غسل آمده، روشن است که آن را به معنای نشانه امامت ندانسته‌اند. برای بررسی تفصیلی این روایت، رک: خراسانی، محمد، همان، ۱۷۲/ ۵۴.

۲. این روایت، همان روایت سوم از کلینی است که پیش‌تر بدان اشاره شد. معنای این روایت چندان روشن نیست؛ ولی ظاهراً با معنای واقفیه سازگاری ندارد. برای تفصیل بیشتر، رک: خراسانی، محمد، همان، ۱۳۷/ ۵۳.

از غسل صدّیق است و به طور مصداقی سخن درباره غسل حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام است که امام نبوده‌اند. پس لزوماً ربطی به نشانه امامت ندارد.^۱ هم چنین پرواضح است که این روایت نمی‌خواهد بگوید، نشانه صدّیق آن است که غسل صدّیق قبلی را به عهده بگیرد؛ بلکه تنها در مقام بیان بزرگی جایگاه صدّیق است؛ یعنی منزلت والای او به گونه‌ای است که تنها باید یک صدّیق غسل وی را انجام دهد. بنابراین اگر آن صدّیق دیگری به خاطر عذری نتوانست غسل را انجام دهد، چیزی از جایگاه هیچ‌یک از آن دو صدّیق کم نمی‌شود. با دقت در دلالت روایت مفضّل، این احتمال بیشتر در ذهن تقویت می‌شود که مسئله غسل امام نیز همین‌گونه باشد؛ یعنی مراد این نیست که غسل امام پیشین نشانه امام بعدی است؛ بلکه این مسئله تنها اشاره به بزرگی جایگاه امام دارد که شأن ایشان چنین اقتضا می‌کند که هیچ‌کس جز امام بعدی - که در منظومه فکری امامیه، بهترین شخص روی زمین است - شایستگی انجام غسل او را ندارد.

باید گفت بیشتر مدارک قاعده غسل با چنین معنایی سازگاری دارند؛ بلکه بعید نیست همخوانی آنها با این معنا بیشتر از تفسیر واقعیه نیز باشد؛ به عنوان نمونه، در روایت رفتن معجزه‌گونه امام هادی علیه السلام برای غسل امام جواد علیه السلام به بغداد که به این قاعده اشاره دارد، امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَيْتُ غَسَلَهُ وَتَكْفِيَهُ وَ مَا كَانَ ذَلِكَ لَيْلِي مِنْهُ غَيْرِي».^۲ از تعبیر «ما كان ذلك لي...» چنین معنایی برمی‌آید که شأن و جایگاه رفیع امام پیشین اقتضا می‌کند که تنها توسط ایشان تجهیز شوند.^۳ همین مسئله را می‌توان از وجود تعبیر «لم يكن يغسلها إلا صدّيق» در روایت مفضل

۱. شاید به ذهن برسد که صدّیق در این روایت به معنای معصوم باشد و در این صورت، ممکن است مسئله غسل به عنوان نشانه معصوم تلقی شود. درباره معنای صدّیق در این سیاق و بررسی تفصیلی روایت، رک: خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة في الروایات الإمامية»، الاجتهاد والتجدید، ۵۳/ ۱۴۵.

۲. [ابن بابویه، علی بن حسین؟]، الإمامة والتبصرة، ص ۸۵؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب في المناقب، ص ۵۰۹.

۳. هم چنین می‌تواند تنها به معنای بزرگی جایگاه امام بعدی باشد که هیچ‌کس جز ایشان لیاقت غسل امام پیشین را ندارد. این معنا نیز مخالف با برداشت واقعیه است.

بن عمر - که پیش‌تر گذشت - نیز استفاده کرد؛ زیرا به نظر می‌رسد تعبیر «لم یکن» در این سیاق، معنای شأنیت و شایستگی یک جایگاه را می‌رساند.

البته نگارنده در این قسمت قصد اثبات این احتمال را ندارد؛ بلکه تنها در پی آن است که روشن سازد این احتمال نیز به عنوان یک احتمال عقلایی در برابر تفسیر واقفیه وجود دارد و حتی اگر فرض کنیم این احتمال از تفسیر آنها قوی‌تر نیست، حداقل با وجود آن، دیگر تفسیر واقفیه ثابت نخواهد بود.

شاید اشکال شود: نگارنده در مقاله‌های پیشین خود،^۱ در بررسی بعضی از مدارک قاعده، پذیرفته است که سؤال راوی درباره این قاعده، متأثر از فضای واقفیه بوده است. پس اگر امام رضا علیه السلام در پاسخ به راوی، اشکالی به این تفسیر ننموده‌اند، این به معنای تأیید و تقریر تفسیر واقفیه از قاعده است. در این صورت، باید گفت برداشت واقفیه، همان تفسیر متعین و صحیح از معنای قاعده خواهد بود؛ وگرنه به طور طبیعی، امام رضا علیه السلام اشتباه این تفسیر را تذکر می‌دادند.

در پاسخ باید گفت: استفاده از سکوت امام برای طرح این احتمال به خودی خود درست است، اما در صورتی که قرینه‌ای برخلاف آن نداشته باشیم. حال آن‌که در این جا قرینه‌هایی بر خلاف وجود دارد. بنابراین دیگر نمی‌توان بر آن اصرار ورزید. یکی از قرینه‌ها این است که روایت‌های بسیار متنوعی وجود دارد مبنی بر این‌که اصحاب امامان علیهم السلام از ایشان می‌خواستند نشانه‌های امام را بیان کنند و ایشان نیز موارد مختلفی را یک جا ذکر می‌کرده‌اند. در مواردی نیز خود امامان ابتدائاً و بدون سؤال شخصی، در مقام بیان نشانه‌های امامت بوده‌اند. با وجود این، در هیچ‌کدام از این روایت‌های گوناگون که سخن در آنها به صراحت درباره «علامات الإمام» است، اشاره‌ای به این قاعده وجود ندارد.^۲ با توجه به این‌که

۱. رک: خراسانی، محمد، همان، ۱۳۱/۵۳-۱۳۷. از برخی مدارک قاعده که از امام رضا علیه السلام نقل شده است، شاید چنین چیزی به نظر برسد.

۲. توضیح این مسئله شایسته بررسی در مقاله‌ای جداگانه است. به عنوان نمونه، رک: حمیری، عبدالله، قرب الإسناد، ص ۳۳۹؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۲۱/۱، ۴۸۹؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۲۷۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۷۰۸، ۷۱۱/۱.

این قرینه، از مجموعه منابع گوناگون و پرسش‌های راویان مختلف و پاسخ‌های چند امام به دست می‌آید، روشن است که نسبت به قرینه سکوت امام رضا علیه السلام در پاسخ به راوی در چند روایت اندک، بسیار قوی‌تر است. مقتضای قواعد عرفی در فهم مراد گوینده این است که این قرینه قوی را بر قرینه‌ای که بسیار ضعیف‌تر است، مقدم کنیم.

هم چنین باید دانست در همه روایاتی که از امام رضا علیه السلام درباره این قاعده رسیده است، امام در مقابل تفسیر واقفیه سکوت نکرده‌اند تا از آن معنای تأیید برداشت شود؛ مثلاً روایت طلحه از امام رضا علیه السلام - که پیش‌تر گذشت - معارض با این روایات است. نگارنده در مقاله‌ای دیگر این مطلب را به تفصیل توضیح داده است.^۱

از سویی دیگر، با تتبع در روایات می‌یابیم که گاهی امامان علیهم السلام یک مطلب را به صورت کلی و بدون ورود به جزئیات، برای مخاطب بیان نموده‌اند؛ به طوری که مخاطبان اگر به اطلاق کلام تمسک می‌کردند و سؤالی درباره برخی جزئیات نمی‌پرسیدند، دچار خطا می‌شدند.^۲ این مسئله شایسته بررسی جداگانه است و نگارنده در این جا تنها در پی آن است که بیان کند، این احتمال در روایات غسل نیز قابل اعتنا است؛ یعنی ممکن است به هر دلیلی که اکنون بر ما پوشیده است،

۲ و ۲۹۷/۲: [ابن بابویه، علی بن حسین؟]، الإمامة والتبصرة، ص ۱۳۷؛ [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصیة، ص ۱۸۴؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۴۲؛ صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۱۰۱؛ همو، خصال، ۱/۱۱۶، ۲۰۰؛ مفید، محمد بن محمد، ارشاد، ۲/۲۷۸.

۱. این مقاله با عنوان «تحلیل گونه‌شناختی روایات غسل امام علیه السلام» در مجله علوم حدیث پذیرش شده و در سایت آن قابل مشاهده است، ولی هنوز به چاپ نرسیده است.

۲. به عنوان نمونه، رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۵/۲۹ و ۶/۳۱۴؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱/۲۷۰، ح ۸۱. هم چنین روایت زراره و محمد بن مسلم را با هم مقایسه کنید: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۷۵۵ (البته این مورد شاید به خاطر اشتباه راویان باشد). این‌که آیا این شواهد برای اثبات چنین امری کافی است و چه شرایطی زمینه‌ساز چنین امری بوده، مطلب دیگری است که باید در مجالس دیگر به آن پرداخت.

امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال راوی درباره این قاعده به یک جواب مجمل بسنده کرده و جزئیات تفسیر معنایی آن را بیان نکرده باشند؛ بنابراین در این حالت، دیگر نمی‌توانیم از اطلاق حدیث و یا دلالت سکوت ایشان در مقابل تصوره‌های راوی استفاده کنیم.

خلاصه سخن این‌که، با توجه به فضای متأثر از شبهه واقفیه در آن دوران، اگر برخی امامان در پاسخ به سؤال شخصی درباره قاعده غسل، به یک جواب کلی بسنده کرده‌اند و متعرض نفی برداشت واقفیه نشده‌اند، در نگاه اولیه به معنای تأیید برداشت واقفیه، یعنی نشانه امامت بودن قاعده غسل می‌باشد؛ اما این تصور اولیه با نگاه به قرینه‌های بیرونی - مانند آن‌چه یاد شد - و هم چنین واقعیت تاریخی غسل امامان^۱ - خصوصاً امامان پیش از امام رضا علیه السلام که مورد قبول واقفیه‌اند - از بین می‌رود و دیگر نمی‌توان از آن برای تأیید تفسیر واقفیه استفاده کرد.

احتمال دوم

در این احتمال، این قاعده نشانه‌ای برای شناخت امام است، اما در صورتی که غسل دادن برای امام بعدی ممکن باشد.

یکی از کسانی که در سخنان خود به این احتمال اشاره نموده‌اند، شیخ مفید است که تصریح می‌کند، این قاعده مقید به عدم وجود ضرورتی در مقابل آن است؛^۲ یعنی امام پیشین را فقط باید امام بعدی غسل دهد، اما در صورتی که

۱. در این جا تنها به همین اشاره گذرا بسنده می‌شود؛ زیرا آقایان گودرزی و حسینیان مقدم در مقاله خود به تفصیل به این مسئله پرداخته‌اند.

۲. «لیس يجوز أن يتولى غسل الإمام وتكفينه ودفنه إلا الإمام القائم مقامه إلا أن تدعو ضرورة إلى غير ذلك» (مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۳۰۷). البته روشن نیست که وی این قاعده را نشانه امامت می‌دانسته یا تفسیر دیگری داشته است؛ اگرچه با توجه به فضای بحث ایشان (یعنی رد برناووسیه)، این احتمال برتری دارد که آن را علامت امامت می‌دانسته است. اگر ایشان بدون این‌که این قاعده را نشانه امامت بدانند، چنین قیدی را برای آن در نظر گرفته باشد، ممکن است به همان معنایی دانسته باشد که جلوتر در احتمال سوم و چهارم خواهد آمد. در این صورت نیز باید گفت ایشان بدون هیچ استدلالی درباره

ضرورت و عذری برای امام بعدی در کار نباشد.

یکی از توجیه‌هایی که سید مرتضی برای معنای روایات قاعده در رساله پیش‌گفته آورده نیز همین است.^۱

پیش از این دو نفر، از سخنان شیخ صدوق نیز می‌توان به نوعی چنین تفسیری را برداشت کرد. وی در رد امامت اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام با استناد به روایتی که اشاره به عدم غسل وی توسط امام صادق علیه السلام دارد، بیان می‌دارد: «امام را فقط امام غسل می‌دهد، اگر امام بعدی حاضر باشد».^۲

باید گفت، این تفسیر از قاعده، خلاف ظاهر مدارک آن است؛ زیرا چنین قیدی در آنها مشاهده نمی‌شود^۳ و قرینه خارجی مهمی که بخواهد چنین قیدی را برای آنها اثبات کند، وجود ندارد.

از سویی دیگر، این تفسیر به معنای کم‌فایده بودن این نشانه نیز هست؛ چون مدعیان امامت در بسیاری از موارد می‌توانند عذر تراشی کرده و ادعا کنند، امکان غسل برای ایشان وجود نداشته است.

هم چنین این احتمال سازگاری چندانی با برخی از گزارش‌های تاریخی مرتبط

چرابی این قید، تنها به ادعای آن اکتفا کرده است. طبیعتاً در چنین حالتی، چنین برداشت خواهد شد که قراردادن این قید، تلاشی از سوی ایشان برای توجیه و تأویل احادیث غسل امام بوده تا با پیش فرض کلامی ایشان، یعنی دفاع از امامت امام رضا علیه السلام سازگار باشد.

۱. سید مرتضی، علی بن حسین، رسائل، ۳/ ۱۵۵. از سخنان ایشان نیز روشن نیست که این قاعده را اساساً نشانه امامت دانسته است یا خیر. هم چنین ایشان گفته است که احتمالاً مراد از قاعده غسل، «اعم اغلب» موارد است، نه در همه امامان. گویا این سخن ایشان در واقع به همین احتمال دوم بازمی‌گردد؛ یعنی منظور ایشان این بوده که این قاعده درباره همه امامان بوده و فقط درباره برخی از آنها به خاطر وجود موانعی، مانند مسافت دور، اجرا نشده است. بنابراین روشن می‌شود، این که سید مرتضی احتمال داده که قاعده به معنای «اعم اغلب» موارد باشد، یک احتمال مستقل در معنای قاعده نیست.

۲. «لأن الإمام لا يغسله إلا إمام إذا حضره» (صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۱/ ۷۱).

۳. تنها این احتمال وجود دارد که با روایت هرثمه که پیش‌تر گذشت و توضیح بیشتری در معنای قاعده دارد، سازگاری داشته باشد.

با غسل امامان عليهم السلام ندارد؛ مانند گزارش غسل امام عسکری عليه السلام توسط عثمان بن سعید (از نواب اربعه)؛^۱ درحالی که طبق روایتی دیگر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف عمومی خویش، جعفر را کنار زده و برپیکر امام عسکری عليه السلام نماز خوانده‌اند.^۲ با کنار هم نهادن این دو روایت، این سؤال مطرح می‌شود که چه ضرورتی بوده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف برای نماز پدر خویش به طور علنی اقدام کنند، اما برای غسل اقدام نکنند و به نائب واگذار نمایند؟! درحالی که غسل امام پیشین نشانه امامت است و نسبت به نماز برایشان - که نشانه امامت نیست -^۳ اولویت دارد. منظور نگارنده از طرح این سؤال این است که به نظر می‌آید عدم حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در غسل امام عسکری عليه السلام به خاطر مانع خاصی، مانند وجود خطر نبوده باشد؛ چون اگر این طور بود، همین خطر برای نماز ایشان هم بوده است. پس همین مطلب می‌تواند یک نقض برای این فرضیه باشد که فقط در هنگام عذر این قاعده انجام نخواهد شد.^۴

آری، اگر این قاعده را نشانه امامت ندانیم و همان طور که توضیح آن در روایت غسل صدیق گذشت، بگوییم این قاعده فقط بیانگر جایگاه والای امام است که هیچ‌کس جز امام بعدی لیاقت غسل دادن وی را ندارد، در این صورت، می‌توان گفت این قاعده مقتید به عدم وجود عذری برای امام است.

۱. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۳۵۶.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۲/ ۴۷۵. البته تمامی این سخنان برفرض پذیرش صدور هر دو روایت است.

۳. نویسنده در مقاله پیش گفته خویش - «تحلیل گونه‌شناختی روایات غسل امام عليه السلام» - این مطلب را بیان نموده است که بیشتر روایات این قاعده، تنها دلالت بر لزوم غسل امام دارند و درباره مسائل دیگر تجهیز، مانند تکفین و تدفین و نماز، ساکت‌اند. تنها شمار بسیار کمی از آنها دلالت بر لزوم موارد دیگر تجهیز در ضمن این قاعده دارند که شمار آنها برای اثبات چنین امر مهمی بسیار کم است و سند آنها نیز بسیار ضعیف می‌باشد.

۴. البته با توجه به این‌که در این استدلال به فعل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تمسک شده است که واقفیه امامت ایشان را نیز دریافته‌اند، این مطلب تنها به عنوان یک استدلال نقضی در فضای گفتمانی امامیه کاربرد دارد، نه در مقابل واقفیه.

احتمال سوم

این احتمال به این معنا اشاره دارد که مسئله غسل امام، تنها یک صفت و خصوصیت برای امام است.

طبق این احتمال، این قاعده لزوماً به عنوان نشانه امامت نخواهد بود؛ زیرا شاید هیچ‌کس از این‌که فقط امام بعدی امام پیشین را غسل داده است، آگاه نشود. لذا این مسئله به عنوان نشانه امامت کارایی چندانی در شناخت امام نخواهد داشت. در این احتمال، مسئله غسل مانند عصمت، یکی از صفات و خصیصه‌های امام شمرده می‌شود که چه بسا امکان کشف و فهم آن برای عموم مردم وجود نداشته باشد؛ هم‌چنان‌که درباره عصمت، این امکان برای مردم عادی وجود ندارد که دریابند امام هیچ‌گناه و اشتباهی مرتکب نمی‌شود.

بنابراین غسل دادن از ویژگی‌های امام بعدی خواهد بود، اما امکان دارد به طور مخفیانه انجام شود؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کس از آن آگاه نشود. روایت هرثمه - که پیش‌تر گذشت - مؤید همین مطلب است.

این امکان نیز وجود دارد که این خصیصه، مقید به امکان آن برای معصوم باشد؛ یعنی بگوییم این مسئله در عین این‌که نشانه امامت نیست و تنها یک صفت برای امام بعدی است، یک ویژگی همیشگی مانند عصمت نیست و ممکن است برخی از امامان به خاطر بروز موانعی، این خصیصه را نداشته باشند.

ممکن است این اشکال مطرح شود که این احتمال معنایی به معنای اخلال در بیان است؛ زیرا اگر معنای قاعده چنین بود، آیا لازم نبود این هشدار داده شود که «ای شیعیان! این قاعده نشانه امامت نیست و فقط یک صفت برای امام است و این‌طور نیست که شما نسبت به همه امامان از این صفت آگاه شوید»؟! با توجه به این اشکال، به نظر می‌رسد یکی از احتمالاتی قابل توجه درباره این قاعده این است که اساساً این مسئله جعلی باشد.^۱

۱. نگارنده در این‌جا این اشکال را تنها به عنوان یک مؤید ذکر می‌کند؛ زیرا اصرار بر این اشکال، ممکن است با آن‌چه در پایان بررسی احتمال اول درباره اطلاق‌گیری از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام گفته شد، تنافی داشته باشد و بررسی آن مجال دیگری طلبد.

البته اشکالِ اِخْلال در بیان، در برخی از احتمال‌هایی که گذشت (مانند احتمال اشاره قاعده به بزرگی جایگاه امام) نیز ممکن است وارد شود و به‌طور کلی اشکال آسانی نیست؛ زیرا ممکن است شواهد ما در زمان حاضر ناقص باشد و در آن زمان برخی قرینه‌ها در تبیین معنای قاعده در بیان امامان بوده باشد که معنای قاعده را حل کرده باشد، اما به دست ما نرسیده باشد. شاید به همین دلیل بوده است که اثری از این شبهه در زمان امام جواد علیه السلام مشاهده نمی‌شود.^۱

احتمال چهارم

این احتمال به این معنا اشاره دارد که مسئله غسل امام، تنها یک فریضه و واجب شرعی بر عهده امام بعدی است و نشانه امامت نیست.

این احتمال وجود دارد که شیخ صدوق، قاعده را به این معنا دانسته باشد؛ زیرا وی در جایی اشاره می‌کند که روایات غسل امام به معنای انشائی است، نه اخباری؛^۲ یعنی نباید کسی غیر از امام در غسل امام پیشین دخالت کند؛ اما اگر کسی چنین دخالتی کرد، تنها آن شخص گناه کرده است و هیچ اشکالی از این جهت برای امامت امام بعدی به وجود نمی‌آید. از نوع عبارتی که شیخ صدوق برای بیان این تفسیر از قاعده به کار برده است، روشن می‌شود که ایشان این تفسیر را از روایت هرثمه اخذ کرده که در آن به این مطلب از زبان امام رضا علیه السلام تصریح شده است؛^۳ خصوصاً که شیخ صدوق این تفسیر خود را در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام بیان کرده و روایت هرثمه را نیز خود وی در جای دیگری از همین کتاب آورده است.

۱. گودرزی، ابراهیم و حسینیان مقدم، حسین، «بازشناسی حدیث "الإمام لا یغسله الا الإمام" در گفتمان واقفیه و امامیه»، علوم حدیث، ۱۱۴/۸۶.

۲. «لأن الصادق علیه السلام إنما نهى أن يغسل الإمام إلا من يكون إماماً فإن دخل من يغسل الإمام في نهية فغسله لم يبطل بذلك إمامة الإمام بعده ولم يقل علیه السلام أن الإمام لا يكون إلا الذي يغسل من قبله من الأئمة علیهم السلام» (صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱/۱۰۶).

۳. عبارت روایت هرثمه که پیش‌تر گذشت را با عبارت شیخ صدوق در پاورقی پیشین مقایسه کنید.

با وجود این احتمال معنایی، تفسیر واقفیه ثابت نمی‌شود. اما آیا در عمل، این تفسیر با ظاهر روایات غسل امام سازگار است؟ در پاسخ باید گفت: آری، این احتمال معنایی با هیچ‌کدام از مدارک قاعده تنافی ندارد؛ برای نمونه، در روایت وصیت امام صادق (ع) - که یکی از مدارک مهم قاعده است - از سخن حضرت خطاب به امام کاظم (ع) می‌توان چنین برداشت کرد که حضرت به ایشان امر می‌کنند، فقط تو باید مرا غسل دهی! چراکه این برای هر امام جدیدی لازم است و من و امامان پیش‌تر نیز به این واجب عمل کرده‌ایم و امامان قبل از خود را غسل داده‌ایم.

باید گفت این احتمال معنایی نسبت به بعضی از مدارک قاعده، نه تنها تنافی ندارد، بلکه تنها احتمال سازگار با آنها است؛ مانند روایت هرثمه، چنان‌که اشاره شد.

ممکن است تصور شود که مسئله غسل امام، هم می‌تواند یک واجب و وظیفه شرعی برای امام بعدی باشد و هم علامتی برای امامت او و این دو با یکدیگر منافاتی ندارند؛ زیرا اگر این امر فقط بر امام بعدی واجب و بردیگران حرام باشد، پس همین امر می‌تواند به ما کمک کند تا امام را بشناسیم.

در پاسخ باید گفت: وجوب یک امر، هنگام قدرت نداشتن ساقط می‌شود. بنابراین تضمینی برای همیشگی بودن چنین امری نیست. پس نمی‌تواند کارایی چندانی به عنوان یک نشانه امامت داشته باشد؛ مگر این‌که احراز شود که شخصی که در مظان امامت است، چنین امکانی داشته که غسل امام را انجام دهد و با وجود این، غسل را انجام داده یا ترک کرده است، تا از این راه بتوانیم امامت وی را تشخیص دهیم. اما احراز این مطلب آسان نیست و ممکن است ما از جزئیات وضعیتی که امامان (ع) هنگام تجهیز پیکر امامان پیشین در آن قرار داشته‌اند، آگاه نباشیم و در نتیجه نتوانیم این توانایی یا عدم آن را در ایشان بسنجیم.

هم چنین شاید این سؤال مطرح شود که تفاوت این احتمال با احتمال سوم که

۱. [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصیة، ص ۱۹۸؛ [طبری، محمد بن جریر؟]، دلائل

الإمامة، ص ۳۲۸؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۴/۲۲۴.

گذشت، چیست؟ در پاسخ باید گفت، در احتمال سوم، قاعده غسل یک صفت و خصوصیت برای امام است؛ پس امری تکوینی است. اما در احتمال چهارم، این قاعده یک واجب و فریضه به حساب می‌آید که امری تشریحی است.

تحلیل دیدگاه شیخ صدوق

با ملاحظه مجموع سخنان شیخ صدوق در تفسیر این قاعده می‌توان احتمال داد که ایشان قائل به تلفیقی از احتمال دوم و چهارم بوده است؛ یعنی احتمالاً ایشان معتقد بوده که این مسئله فریضه‌ای برای امام است؛ اما اگر امام بعدی حاضر نبوده، یعنی او قدرت انجام این فریضه را نداشته و از او ساقط بوده است. در عین حال اگر در جایی بتوان تشخیص داد که او توانایی انجام این فریضه را دارد، پس می‌تواند نشانه نیز باشد. مؤید این سخن این که صدوق در رد امامت اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام - چنان که پیش‌تر گذشت - از این مسئله به عنوان نشانه امامت استفاده کرده است.

به هر حال باید دانست که در این حالت، این مسئله به هیچ وجه یک نشانه همیشگی نخواهد بود. هم چنین تطبیق این قاعده درباره اسماعیل، ممکن است دارای اشکال باشد؛ زیرا به نظر می‌رسد که بطلان امامت اسماعیل از راه‌های دیگری مانند عدم نص ثابت می‌شود، نه از این راه؛ چراکه این احتمال وجود دارد که مراد از قاعده غسل - برفرض صدور آن - این باشد که امام بعدی امام پیشین را غسل دهد و بر این اساس، نمی‌توان این گونه بر اسماعیلیه اشکال کرد. آنها امام صادق علیه السلام را نه امام بعد از اسماعیل، بلکه امام پیش از او می‌دانند؛ یعنی امامی که رتبتاً بر اسماعیل مقدم بوده، هر چند پس از اسماعیل وفات کرده است.

احتمال پنجم

این احتمال به این معنا اشاره دارد که مسئله غسل، فقط یک وصیت شخصی از سوی امام صادق علیه السلام به امام کاظم علیه السلام بوده است؛ یعنی یک درخواست شخصی از جانب ایشان به فرزند خود بوده است که هیچ کس دیگری را در امر غسل ایشان

دخالت ندهند. در حالی که مخاطب این وصیت فقط امام کاظم علیه السلام بوده‌اند، نه عموم شیعیان، اما واقفیه با تصور این که مخاطب آن همگی شیعیان هستند، آن را به عنوان نشانه امامت ترویج می‌کردند.

برخی از پژوهشگران به صراحت چنین احتمالی را بیان کرده‌اند.^۱ در نگاه نگارنده، این یک فرضیه جالب توجه در رفع تنافی‌های این قاعده است، اما متأسفانه اشکال‌هایی بر آن وارد است؛ از جمله:

گویا این فرضیه تنها به روایت وصیت امام صادق علیه السلام به امام کاظم علیه السلام به عنوان مدرک این قاعده توجه کرده است.^۲ این در حالی است که روایات مختلفی از امامان دیگر نیز درباره قاعده غسل به ما رسیده است. حتی در میان روایات خود امام صادق علیه السلام نیز، به جز روایت وصیت، چند روایت دیگر در این موضوع به ما رسیده است که با این فرضیه همخوانی ندارند؛ مانند روایت مفضل بن عمر که پیش‌تر گذشت و روایت غسل امام زمان علیه السلام توسط امام حسین علیه السلام.^۳ مخاطب در هیچ یک از این دو روایت، امام کاظم علیه السلام نیست. راوی در روایت غسل امام زمان علیه السلام، صالح بن سهل همدانی است که مستقیماً سخن امام صادق علیه السلام را نقل می‌کند و هیچ اشاره‌ای به حضور امام کاظم علیه السلام در آن مجلس و خطاب امام صادق علیه السلام به ایشان ندارد. در روایت مفضل نیز، امام صادق علیه السلام صراحتاً خطاب به مفضل سخن می‌گویند و هیچ اشاره‌ای به امام کاظم علیه السلام نیست.

۱. گودرزی، ابراهیم و حسینیان مقدم، حسین، «بازشناسی حدیث "الامام لا یغسله الا الامام" در گفتمان واقفیه و امامیه»، علوم حدیث، ۱۱۸/۸۶.

۲. این روایت پیش‌تر گذشت. شاید پیش فرض نویسندگان آن مقاله نیز همین بوده که تنها به بررسی روایت وصیت امام صادق علیه السلام پردازند؛ چنان که عنوان مقاله ایشان نیز «بازشناسی حدیث "الامام..." است و تعبیر «احادیث» را برای آن به کار نبرده‌اند؛ اگرچه این توجیه، شاید چندان با سخنان ایشان در مقاله سازگار نباشد.

۳. «فإذا... جاء الحجة عليه السلام الموت، فيكون الذي يغسله ويكفنه ويحنطه ويلحده في حفرة الحسين بن علي عليه السلام ولا يلي الوصي إلا الوصي» (عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۲۸۱/۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۴۷۵/۱۵؛ حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۱۶۴).

آری، اگر تمام روایاتِ قاعده غسل فقط از امام صادق علیه السلام نقل شده بود و فقط روایت وصیت امام صادق علیه السلام به امام کاظم علیه السلام را می‌پذیرفتیم و روایات دیگر از ایشان درباره قاعده غسل را کنار می‌گذاشتیم، شاید می‌توانستیم این تفسیر را بپذیریم. باید گفت هیچ رجحانی برای روایت وصیت نسبت به روایات دیگر وجود ندارد؛ بلکه اگر بخواهیم آنها را نسبت به یکدیگر بسنجیم، قطعاً روایت مفضل بن عمر برتری دارد. روایت وی از لحاظ سندی از قوی‌ترین روایات موجود درباره قاعده غسل است؛ در حالی که روایت وصیت امام صادق علیه السلام، از نظر سندی بسیار ضعیف‌تر است.^۱ ضمن این‌که باید دانست، اگر چند روایت مرتبط با یک قضیه واحد داشته باشیم و فقط یکی از آنها از نظر سندی معتبر باشد، باز هم نمی‌توان از قرینه‌های موجود در روایت‌های ضعیف چشم پوشید. در این‌جا نیز، حتی اگر روایت وصیت امام صادق علیه السلام را صحیح بدانیم، نمی‌توانیم از قرینه‌های موجود در آن دو روایت دیگر برای فهم بهتر مراد در روایت وصیت چشم‌پوشی کنیم؛ یعنی اگر آن دو روایت دیگر دلالت بر شخصی نبودن این وصیت داشتند، همین قرینه کافی است تا دیگر نتوانیم با استفاده از یک روایت، بر فرضیه شخصی بودن این قاعده پافشاری کنیم.

هم‌چنین به نظر می‌رسد منظور از «وصیت شخصی» در سخن این پژوهشگران، همان معنای واجب و فریضه شرعی بودن غسل بردوش امام بعدی باشد؛ یعنی همان احتمال چهارم که پیش‌تر گذشت. ظاهراً منظور از «وصیت شخصی» در برابر وصیتی است که مخاطب آن عموم شیعه باشد و منظور این نیست که این فقط یک وصیت بین امام صادق علیه السلام و پسرانشان بوده و معلوم نیست درباره امامان دیگر وجود داشته باشد؛ زیرا این فهم - جدا از آن‌که با روایت‌های دیگر قاعده، مانند روایت مفضل بن عمر و روایت غسل امام زمان علیه السلام که گذشت، سازگار نیست - با سیاق خود این وصیت نیز سازگاری ندارد. طبق حدیث وصیت، امام

۱. نگارنده درباره وضعیت سندی هر دو روایت به تفصیل بحث نموده است؛ رک: خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة في الروایات الإمامية»، الاجتهاد والتجدید، ۱۴۴/۵۳، ۱۴۷.

صادق علیه السلام در بیان علت این که فقط باید امام کاظم علیه السلام ایشان را غسل دهند، این مسئله را به صورت یک قاعده کلی مطرح می‌کنند. این مطلب در عبارت حدیث، به خوبی نمایان است: «فإني غسلت أبي و غسل أبي أباه و الحجة يغسل الحجة»^۱ یا در نقل دیگران: «فإني غسلت أبي و الأئمة يغسل بعضهم بعضاً»^۲. بنابراین بعید به نظر می‌رسد این پژوهشگران از «وصیت شخصی»، وصیت بین دو امام خاص را اراده کرده باشند.

احتمال ششم

این احتمال به این معنا اشاره دارد که این قاعده، نشانه امامت است، اما در صورتی که کسی بهتر از امام - مانند ملائکه - ایشان را غسل ندهد.

این یکی از احتمالاتی است که ملاصالح مازندرانی در شرح یکی از روایت‌های قاعده غسل ذکر کرده است. از امام رضا علیه السلام روایتی نقل شده است که به نوعی اشاره به این مطلب دارد. مضمون این روایت چنین است که فرشتگان برتر از امام هستند و غسل امام کاظم علیه السلام توسط فرشتگان انجام شده است، نه امام رضا علیه السلام.^۳ ملاصالح مازندرانی در پاسخ به اشکال تنافی این روایت با قاعده غسل بیان می‌دارد: «و یجاب... تارة بتخصیص ما سبق بأن الامام لا بد أن يغسله الإمام إن لم يغسله من هو خیر منه»^۴.

اما احتمالی که ایشان مطرح می‌نماید، در عمل به این معنا است که ایشان، برتری فرشتگان بر امامان علیهم السلام - که در این روایت مطرح شده - را پذیرفته است؛ در حالی که این مطلب با کلام امامیه و احادیث برتری امامان بر فرشتگان سازگار نیست.^۵

۱. [طبری، محمد بن جریر؟]، دلائل الإمامة، ص ۳۲۸.

۲. [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصیة، ص ۱۹۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/۲۸۶-۲۸۷. برای بررسی بیشتر این روایت، رک: خراسانی، محمد، همان، ۱۳۷/۵۳.

۴. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، ۳۵۴/۶.

۵. به عنوان نمونه، رک: صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/۲۶۲؛ همو، اعتقادات الإمامیه، ص ۸۹؛ سید مرتضی، علی بن حسین، امالی، ۲/۳۳۳؛ ابن شهر آشوب، محمد

علاوه بر این، اگر این احتمال را بپذیریم، دیگر این قاعده چندان صلاحیتی برای این‌که نشانه‌ی امامت باشد، ندارد؛ زیرا مدعیان امامت برای عدم حضور خود در غسل امام، به راحتی می‌توانند ادعا کنند که فرشتگان غسل را انجام داده‌اند و این ادعا برای مردم عادی قابلیت راستی‌آزمایی ندارد.

از سویی دیگر، در روایات امامان قبل از امام رضا علیه السلام چنین قیدی برای این قاعده وجود ندارد. بنابراین عُرف چنین تخصیصی را نمی‌پذیرد که امامان پیشین قاعده غسل را به صورت مطلق بیان کنند و هنگامی که نوبت به امام رضا علیه السلام برسد، ایشان چنین قیدی را برای آن بیان کنند، در حالی که امامت خود ایشان به وسیله همین قاعده محل نزاع بین قطعیه و واقفیه است. با توجه به این اشکال‌ها باید گفت، این احتمال معنایی در تفسیر قاعده موجه نیست.

احتمال هفتم

در این احتمال، این روایات تنها به این معنا اشاره دارند که امام بعدی متولّی غسل امام پیشین است؛ اما چنان‌که گذشت، «تولّی» اعم از آن است که این کار به طور مستقیم انجام شود و یا به صورت نیابتی. بنابراین هنگامی که خود امام حضور ندارد، اگر کسی را نایب خود در امر غسل امام پیشین قرار دهد یا کسی این کار را با رضایت ایشان انجام دهد، کافی است.

استاد غفاری این احتمال را در پاورقی خود ذیل یکی از روایات مطرح کرده است.^۱ در پاسخ به این احتمال باید گفت در روایات غسل امام، تعبیر «متولّی الغسل» یا «ولّی الغسل» به کار نرفته است تا نوبت به چنین تفسیری برسد؛ بلکه مستقیماً از تعبیر غسل دادن استفاده شده و در این صورت عرف تردیدی نمی‌کند که مراد، مباشرت در غسل است؛ مثلاً در روایت وصیت امام صادق علیه السلام - چنان‌که

بن علی، متشابه القرآن، ۲۰۲/۱؛ برای آگاهی بیشتر، رک: خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام کلامه للإمامة، دراسة في الروایات الإمامية»، الاجتهاد والتجدید، ۱۴۰/۵۳.

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۷۱/۱.

پیش‌تر گذشت - ایشان پس از آن‌که غسل خود را به امام کاظم علیه السلام وصیت می‌کنند، می‌فرمایند: «فإني غسلت أبي وغسل أبي أباه والحجة يغسل الحجة»^۱ یا در نقل دیگر: «فإني غسلت أبي والأئمة يغسل بعضهم بعضاً»^۲. این‌که از تعبیر «غسل» استفاده شده است، نه «تولی»، نشان می‌دهد که منظور از این قاعده، انجام مستقیم غسل توسط امام بعدی است.

دیگر این‌که، این برداشت از معنای قاعده با روایت مناظره بطائنی با امام رضا علیه السلام - که پیش‌تر گذشت - نیز سازگار نیست. در این روایت، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: إن الذي أمكن علي بن الحسين علیه السلام أن يأتي كربلاء فيلي أمرأيه، فهو يمكّن صاحب هذا الأمر أن يأتي بغداد فيلي أمرأيه... .

در این روایت هرچند تعبیر «وَلِيّ» آمده، اما باز هم مباشرت در غسل در آن واضح است؛ وگرنه جایی برای استدلال به حضور مخفیانه و خارق عادت امام سجاد علیه السلام در تجهیز امام حسین علیه السلام باقی نمی‌ماند و راحت‌ترین بود که امام رضا علیه السلام در پاسخ به بطائنی بفرمایند: «قاعده غسل اعم از این است که امام بعدی مستقیماً امام قبلی را غسل دهد یا کسی دیگر با رضایت ایشان انجام دهد و غسل امام کاظم علیه السلام را کسی با رضایت من انجام داده است. پس دیگر شبهه‌ای نیست». هم‌چنین باید گفت، اساساً تعبیر «وَلِيّ الغسل» به معنای انجام دادن است که ظهور آن در انجام مستقیم است، مگر تصریح به اعم بودن آن از انجام مستقیم یا با واسطه شود. بنابراین به نظر می‌رسد در این احتمال معنایی، از این تعبیر به اشتباه معنای «متولی» (خصوصاً با بار معنایی فارسی آن) برداشت شده است که اعم از مباشرت در انجام دادن امور و عدم مباشرت است.

علاوه بر این، این برداشت با یکی دیگر از مدارک قاعده غسل نیز سازگار است؛ حدیثی که اشاره دارد تک‌تک امامان، هنگام انجام غسل امام قبلی، سخن

۱. [طبری، محمد بن جریر؟]، دلائل الإمامة، ص ۳۲۸.

۲. [مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصية، ص ۱۹۸؛ برای تفصیل بیشتر، رک: خراسانی، محمد، همان، ۵۳/ ۱۴۷.

ملائکه را می‌شنوند و آنها به امامان در غسل دادن کمک می‌کنند. این روایت به طور ضمنی اشاره به انجام مستقیم غسل توسط تک تک امامان دارد.^۱

این احتمال، با روایت مفضل بن عمر - که پیش‌تر گذشت - نیز سازگار نیست؛ زیرا در این روایت نیز اساساً تعبیر «يَلِي غُسْلَهَا» به کار نرفته است تا جایی برای احتمال استاد غفاری باقی بماند. تعبیر به کار نرفته در این حدیث «لا يغسله الا» است که به روشنی بر مباشرت در غسل دلالت دارد. ضمن این‌که آن‌چه باعث تعجب مفضل بن عمر شده نیز همین بوده است که امیرالمؤمنین عليه السلام خودشان حضرت زهرا عليها السلام را غسل دهند؛ چراکه در روایاتی از غسل همسر توسط شوهر منع شده است و همین مطلب، این تصور را برای مفضل ایجاد کرده بود که درباره حضرت زهرا عليها السلام نیز باید این‌گونه باشد.^۲ بنابراین اگر منظور امام صادق عليه السلام انجام غسل هر چند به صورت نیابی می‌بود، دیگر جایی برای تعجب مفضل باقی نمی‌ماند.

نتیجه‌گیری

از مجموع آن‌چه گذشت، روشن می‌شود که می‌توان احتمال‌های گوناگونی درباره معنای این قاعده تصور کرد. در این میان، برخی از آنها مانند احتمال سوم و چهارم، احتمال‌هایی واقع‌بینانه و دور از تصورات ذهنی صرف هستند. وجود همین احتمال‌ها کافی است تا احتمال نخست، یعنی تفسیر واقفیه، قابل اثبات نباشد. اما به جز تفسیر واقفیه، احتمال‌های دوم، پنجم، ششم و هفتم که اشاره شد نیز هر کدام اشکال‌هایی دارند و چندان قابل اثبات نمی‌باشند. در مجموع به نظر می‌رسد یکی از موجه‌ترین احتمال‌ها این است که قاعده غسل امام - برفرض پذیرش صدور آن از معصومان عليهم السلام - در صدد بیان نشانه امامت نیست؛ بلکه

۱. نویسنده در جایی دیگر، این روایت را به تفصیل بررسی نموده است؛ رک: خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة في الروايات الإمامية»، الاجتهاد والتجدید، ۵۴ / ۱۸۸.

۲. پیش‌تر اشاره شد که نگارنده در جایی دیگر، حدیث مفضل بن عمر را بررسی کرده است. در آن‌جا به تفصیل به این مطالب پرداخته شده است.

تنها بیانگر شأن و منزلتِ والای امام است؛ به گونه ای که هیچ کس جز امام بعدی، شایستگی غسل دادن ایشان را ندارد. در عین حال می توان این مسئله را به عنوان یک صفت و ویژگی خاص برای امام بعدی (احتمال سوم) یا یک وظیفه شرعی برای ایشان (احتمال چهارم) دانست.

فهرست منابع

کتابها

[ابن بابویه، علی بن حسین؟]، الإمامة والتبصرة من الحيرة، مدرسة الإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَهُ الشَّرِيفُ، قم، ۱۴۰۴ ق.

ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب في المناقب، تحقیق: نبیل رضا علوان، انصاریان، قم، ۱۴۱۹ ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، بیدار، قم، ۱۳۶۹ ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین، آلمان-ویسبادن، ۱۴۰۰ ق.

حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، النشر الإسلامي، قم، ۱۴۲۱ ق.

حمیری، نشوان بن سعید، الحور العين، تحقیق: کمال مصطفی، تهران، ۱۹۷۲ م.

سید مرتضی، علی بن حسین، أمالي المرتضى، دار الفكر العربي، قاهره، ۱۹۹۸ م.

سید مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۰۵ ق.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الممل و النحل، تحقیق: محمد بدران، الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش.

صدوق، محمد بن علی، إعتقادات الإمامية، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ ق.

صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.

صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، تحقیق: سید مهدی لاجوردی، جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، تحقیق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.

صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.

صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقیق: محسن کوجه باغی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

[طبری، محمد بن جریر؟]، دلائل الإمامة، البعثة، قم، ۱۴۱۳ ق.

طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، المعارف، قم، ۱۴۱۱ ق.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ق.

قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، تحقیق: جورج قنوتی، الدار المصرية، قاهره، ۱۹۶۲ م.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، تحقیق: حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، تحقیق: محمد کاظم، وزارت ارشاد، تهران، ۱۴۱۰ ق.

مازندرانی، محمد صالح، شرح کافی، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، تحقیق: رسولی محلاتی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.

مجلسی، محمد باقر، ملاذ الأخیار، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، ۱۴۰۶ ق.

مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين، کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ ق.

[مسعودی، علی بن حسین؟]، اثبات الوصية، انصاریان، قم، ۱۴۲۶ ق.

مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۱۳ ق.

مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، تحقیق: علی میرشریفی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

ناصری، ریاض محمد، الواقفیه، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

مقالات

خراسانی، محمد، «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة في الروایات الإمامیة»، القسم
الأول والثاني، الاجتهاد والتجدید، شماره ۵۳-۵۴، زمستان و بهار ۲۰۲۰ م.
گودرزی، ابراهیم وحسینیان مقدم، حسین، «بازشناسی حدیث "الإمام لا یغسله الا الامام"
در گفتمان واقفیه و امامیه»، علوم حدیث، شماره ۸۶، زمستان ۱۳۹۶ ش.